

پیشنهادات جبهه ملی ایران به هیئت حاکمه جمهوری اسلامی

هموطنان عزیز، ملت شرافتمند ایران،

عمل کرد حکومت جمهوری اسلامی در این مدت چهل سال به گونه ای بوده که اکنون این حکومت به جبر تاریخ در معرض از هم گسیختگی و فروپاشی قرار گرفته است. این حکومت با سوء رفتارها، ضعف مدیریتها، سیاستهای نادرست داخلی و خارجی بدور از در نظر گرفتن منافع ملی، و فساد گسترده ای اغلب کارگزارانش، خود را به طور کلی از اعتبار و مشروعیت ساقط کرده و میرود تا با اعمال ناصحیح خود، بر حیات خویش نقطه پایان بگذارد. این حاکمیت در روزهای انقلاب با وعده برقراری آزادی و استقلال و عدالت و با شعار «نه شرقی نه غربی» براریکه قدرت نشست و سکان اداره امور این کشور که نسیال و با تمدن باستانی کم نظیر در جهان را به دست گرفت. اما از همان روزهای نخست با اعدامهای بدون محاکمه ای عادلانه و سرکوب هر آنکس که جدا از حاکمیت می اندیشید و با انحصارطلبی روزافزون، به عیان به همگان نشان داد که رفتارش تا چه اندازه با آزادی و عدالت فاصله دارد. اقدام خلاف عرف و اخلاق و خلاف قواعد بین المللی اشغال سفارت آمریکا و حرکت خفت بار گروگانگیری موجب مسدود شدن میلیاردها دلار از اموال کشورمان و زمینه ساز حمله عراق به ایران و آن جنگ ویرانگر هشت ساله با آن همه خسارات جانی و مالی برای این ملت گردید. جنگی که با اندکی درایت و عقلانیت به یقین قابل پیشگیری بود. اشغال سفارت آمریکا و گروگان گیری آمریکائیان سبب دشمنی بیهوده ای بین دو کشور گردید که تا کنون نیز ادامه دارد و در نتیجه این خصومت، ملت ایران میلیاردها دلار خسارت مالی متحمل شده و از دسترسی به موقعیتها و امکانات سیاسی و اقتصادی فراوانی محروم گشته است. فهرستی از دیگر رفتارهای نادرست حاکمیت برخاسته از انقلاب بدون هیچگونه سیاه نمایی و اغراق گویی بدین شرح است. عدم رعایت

آزادیهای اساسی ملت مانند آزادی احزاب، آزادی مطبوعات و آزادی انتخابات، ماجرای ترورهای خارج از کشور، قتل های زنجیره ای نفرت انگیز در داخل، اعدامهای چند هزار نفره سال ۶۷، کشتار مردم معترض در انتخابات سال ۸۸ که با معیارهای خود حاکمیت انجام شده بود و وقایع اسفبار زندان کهریزک در متعاقب آن، کشتار دیمه ۹۶ در خیابانهای یکصد شهر کشور، خودکشی هادر زندانها، به هدر دادن میلیاردها دلار از سرمایه های کشور در پروژه هسته ای و سپس تعطیل برنامه ها با فشار و مخالفت جامعه جهانی، دخالت در مناقشات کشورهای منطقه به دور از منافع ملی و تحمیل هزینه های هنگفت ناشی از این دخالتها بر کرده ملت مظلوم ایران، عدول از سیاست «نه شرقی نه غربی» و کوتاه آمدن از استیفای حقوق مسلم ایران از دریای مازندران در مقابل روسیه، عدم اقدام قانونی برای دریافت غرامت جنگ از دولت متجاوز عراق، تصمیم گیریهای نادرست و غیر کارشناسانه در مدیریت آب و محیط زیست، عدم توجه به علم و دانشمندان کشور و فراری دادن مغزها، هزینه کردن منابع مالی کشور در نهادهای ایدئولوژیک به جای بردن این منابع در پروژه های عمرانی و بالا بردن تولید و ایجاد کار آفرینی، ایجاد شرایط بیکاری گسترده، گرانی، تورم، اعتیاد و فقر عمومی مردم همراه با مفاسدرنگارنگ اقتصادی و اجتماعی.

هموطنان عزیز، ملت شرافتمند ایران،

حدود سه سال قبل وقتی مذاکرات جمهوری اسلامی با گروه کشورهای ۵ + ۱ به نتیجه رسید و توافقی تحت نام برجام صورت پذیرفت، مردم ایران امیدوار شدند که با انجام این توافق اموال مسدود شده آنان آزاد شده و نیز با ورود سرمایه های خارجی به کشور، از تنگناهای معیشتی و مضایق اقتصادی رهایی می یابند و بیکاری و فقر از جامعه ایران رخت بر مینندد و گامهای بعدی برای بهبود روابط با جامعه جهانی برداشته خواهد شد. اما از یک سو

هیئت مذاکره کننده جمهوری اسلامی برای برداشتن قدمهای بعدی به شدت بر حذر داشته شد و از سوی دیگر موشکهای شاعر نوپسی شده به آسمان پرتاب شد. با این پیام که هم دولت مدعی تعدیل اوضاع و هم ملت ایران بدانند که چیزی عوض نشده و در بر همان پاشنه قبلی می چرخد. و نتیجتاً یک فرصت طلایی و تاریخی دیگر سوزانده شد و برجام آنگونه که باید و انتظار می رفت به فرجامی نرسید و بهانه های لازم برای خروج دولت جدید آمریکا از برجام هم فراهم گردید. و متأسفانه در مقابل این رفتارهای ناصحیح، هیچگونه عکس العملی از سوی دولت مدعی داشتن کلید راه حل مشکلات کشور به ظهور نرسید و اکنون میهن ما مجدداً زیر تیغ تهدیدهای جدید برای دور تازه ای از تحریمهای فلج کننده قرار گرفته است. و هنوز تحریمها آغاز نشده، ارزش پول ملی مابه سرعت و در ظرف چند روز در برابر ارزهای معتبر جهانی به نصف تقلیل یافته و غول گرانی و تورم و فقر و بیکاری رو به تزاید و لجام گسیخته در دوری جدید به ملت ما چنگ و دندان نشان میدهد. در چنین دورانی پرتنش و با وجود بحرانهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی که در جامعه ایران هویداست و با دورنمای تیره و تار و نامشخصی که در مقابل کشور است، جای تعجب و تاسف بسیار است که سیاست حاکمیت جمهوری اسلامی همچنان کوبیدن بر طبل سرکوب و خشونت و ایجاد اختناق است. و جامعه ایران را از شنیدن نظرات میهن دوستان مستقل و دلسوزان ملک محروم می نماید. اینگونه بر خوردها با میلیون و آزاد یخواهان در حالی صورت می گیرد که برخی از جریان های وابسته و پرورش یافته در آستین قدرت های بیگانه که از وجنات آنان چیزی جز جنس دیگری از دیکتاتوری مشهود نیست، با داشتن تمام امکانات رسانه ای و حمایت های همه جانبه برای جانیشینی حاکمیت به بن بست رسیده خیز برداشته اند.

پیشنهادات جبهه ملی ایران به هیئت حاکمه جمهوری اسلامی

ادامه از صفحه ۱

هموطنان عزیز، ملت شرافتمند ایران،

امروز زمان بی تفاوتی و تسلیم شدن به برنامه هایی که از قبل برای میهنمان تدارک دیده شده است نیست. امروز باید بدانیم که برای آینده و طمنمان چه نوع سامانی را نمیخواهیم و چه نوع نظم و نسقی را خواستاریم. امروز به ضرس قاطع باید باور داشته باشیم که راه نجات و سعادت و رفاه ملت ایران دست یابی به آزادی و یک حاکمیت ملی سالم و پاکدست همراه با استقلال و عدالت اجتماعی است. تنها آزادی و حاکمیت ملی است که می تواند کشتی طوفان زده و طن را به ساحل امن رهنمون گشته و امنیت و آسایش برای ملت ایران به ارمغان آورد. حاکمیت جمهوری اسلامی اگر آنگونه که در مقام حرف همواره ادعا کرده است، واقعا خواهان خدمتی به ملت ایران است، میتواند در فراهم کردن شرایط برای تغییر و تحول آرام و صحیح و تاریخ ساز در ایران نقشی سازنده ایفا کند و در غیر این صورت باید منتظر قضاوت سخت تاریخ در مورد عمل کردش باقی بماند. جمهوری اسلامی میتواند با برداشتن این چند گام، خود و ملت ایران را از این بست ها و آینده مبهم و نامطلوب برهاند:

۱- سریع آشتی با ملت را اعلام کرده و کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی را در سراسر کشور آزاد نماید و از اعمال خشونت نسبت به مردم معترض و جان به لب رسیده ایران دست بردارد.

۲- هر چه زودتر آزادی های سیاسی مانند آزادی احزاب و اجتماعات و آزادی بیان و قلم را به شکلی حقیقی محقق نماید.

۳- یک انتخابات آزاد و بدون دخالت نهادهای حکومتی و تحت نظارت هیئتی قابل قبول برای همگان، جهت برپایی یک مجلس موسسان واقعی برای تدوین یک قانون اساسی جدید و تعیین شکل حکومتی آینده کشور برگزار کند و تصمیمات آن مجلس را هر چه که باشد در تمام زمینه ها محترم شمرده و از آن ها تمکین نماید.

خاموش باد نغمه های شوم تجزیه طلبی ایران

به سه قسمت تقسیم شد. شمال بخارا تحت تسلط خانهای بخارا قرار گرفت، و غرب افغانستان منضم به ایران گشته و تحت حاکمیت دولت صفوی شیعه درآمد.

منطقه قندهار در جنوب افغانستان منطبق بی طرفی بود میان حکومت مغولها و سلسله صفویه در ایران.

در زمان شاه سلطان حسین صفوی، در اثر بی تدبیری حاکمان وقت، محمود افغان شورش کرد و با قتل شاه سلطان حسین صفوی، به مدت کوتاهی به عنوان شاه محمود بر اصفهان مسلط گردید. پس از او اشرف افغان به جای او نشست که با ظهور نادر شاه، از ایران گریخت، و در بازگشت به افغانستان به قتل رسید. و شورش افغانها به پایان رسید.

در دروان محمد شاه قاجار اما با دسیسه انگلستان که همیشه دغدغه دور کردن هر تجاوزی به هندوستان را در سر داشت، هرات و غرب افغانستان را با لشکر کشی به جنوب و تهدید ایران برای همیشه از ایران جدا کرد.

خطر دیگری که از سر ملت ایران گذشت، غائله آذربایجان در ۱۳۲۵ هجری شمسی بود که مز دوران اتحاد جماهیر شوروی قصد تجزیه آذربایجان ایران و منضم کردن آن به جمهوری آذربایجان شوروی را داشتند. خوشبختانه

پس از یک سال حکومت جعفر پیشه وری و غلام یحیی و گروههای تجزیه طلب ایران در آذربایجان، ایالات متحده آمریکا، استالین را تهدید کرد، در صورت عدم تخلیه آذربایجان، آمریکا با بمب اتم شوروی را مورد حمله قرار خواهد داد. با این تهدید، دارو دسته پیشه وری آذربایجان را تخلیه کرده و به شوروی گریختند، سپس ارتش ایران وارد آذربایجان شد.

و اما در مورد بحرین. بحرین از دوران پیش از اسلام بخشی جدائی ناپذیر از سرزمین ایران به شمار می آمد. بحرین تا تجزیه آن در ۱۳۴۹ هجری شمسی استان چهاردهم ایران به حساب می آمد. بعد از جنگ دوم جهانی، بریتانیا بر جزایر خلیج فارس مسلط گردید، و بحرین را مرکز اداره خلیج فارس و جزایر آن قرار داد. بحرین با پشتیبانی کامل دولت انگلستان، به قطر و امیر نشینان دیگر عرب پیوست که در آن روز به آنها امیر نشینان متحد خلیج فارس می گفتند که بعدا بحرین و هر یک از امیر نشینان خلیج فارس استقلال یافتند.

چگونگی تجزیه بحرین از ایران.

در اوائل ۱۹۷۰ میلادی، حکومت ایران از دبیر کل سازمان ملل خواست که در مورد استقلال بحرین از ایران به یک همه پرسی رجوع کرده و نظر مردم آن جزیره را خواستار شود. در این به اصطلاح تیموری بر سر کار آمدند. از قرن شانزدهم تا هفدهم میلادی، افغانستان

ایران، از عصر کورش، هرگز رنگ تجزیه و جدایی ایالات و استانهای خود را ندید تا در دوران حمله اعراب به ایران که با فرو ریختن کاخ امپراتوری ساسانی، بخشهای گوناگون کشور تجزیه گشته و کشور بزرگ ایران به یک نظام ملوک الطوائفی تبدیل گردید.

پس از سقوط سلسله ساسانی، ایران و یج یا سرزمین ایران، به ایالات مستقلی مانند خراسان، سیستان، طبرستان، فارس، آذربایجان، کرمان، خوزستان، یزد، لرستان، ترکمنستان و ری تقسیم گردید و هر یک تحت فرمان یک امیر یا یک پادشاه قرار گرفت.

تنها شاه عباس کبیر بود که وحدت ایران را با نیروی نظامی خود دوباره برقرار کرد. این وحدت در دوران نادر شاه افشار، کریم خان زند، و آقامحمد خان قاجار تداوم یافت. متأسفانه اما، در دوره فتعلیشاه قاجار، دو جنگ میان ایران و روسیه در گرفت. دوره اول در اواسط سال ۱۲۱۸ هجری قمری مصادف با ۱۸۰۳ میلادی، یعنی یک سال پیش از امپراتوری ناپلئون بناپارت در فرانسه، آغاز و در اواخر سال ۱۲۲۸ مصادف با ۱۸۱۳ میلادی پایان یافت. این جنگ، با تاسف بسیار، به شکست ایران انجامید، و با میانجی گری انگلستان عهد نامه ننگین "گلستان" در قره باغ میان ایران و روسیه منعقد شد. طبق عهدنامه گلستان، تمام ولایات قره باغ، گنجه، شکی، شیروان، قوبا، دربند، باکو و قسمتی از طالش و تمامی داغستان و گرجستان که به ایران تعلق داشت، به تصرف روسیه تزاری درآمد.

دومین جنگ میان ایران و روس در سال ۱۲۴۱ ه. ق، مصادف با ۱۸۲۶ میلادی در گرفت. ایران که در این دوران فتعلیشاه قاجار بر آن سلطنت می کرد، در ۱۲۴۳، مصادف با ۱۸۲۸ میلادی از روسیه شکست خورد، و باز با وساطت دولت بریتانیا، عهدنامه ترکمان چای میان ایران و روسیه بسته شد که به موجب آن رود ارس مرز میان ایران و روسیه تعیین گردید. و دشت مغان و بندر لنگران و کشتی رانی در بای خزر به روسیه واگذار گردید.

دو معاهده گلستان و ترکمان چای در قرن نوزدهم میلادی موجب تجزیه ایران و جدایی ولایات و شهرهای بسیاری از ایران زمین گردید.

تجربه تلخ ملت ایران از تجزیه گوشه دیگری از خاک وطنش، جدایی بخش غربی افغانستان از ایران بود.

افغانستان در دوره شاهنشاهی هخامنشی و ساسانی تحت سلطه حکومت ایران بود.

پس از تسلط کامل اعراب بر سرزمین ایران، در افغانستان امپراتوری های کوشانها، هندو شاهی، سامانی، غزنوی، مغول، و تیموری بر سر کار آمدند. از قرن شانزدهم تا هفدهم میلادی، افغانستان

”رفراندم“ از مردم بحرین سوال شد که می‌خواهند مستقل باشند یا تحت تسلط حکومت ایران باقی بمانند. در این همه پرسی طبق گزارش نماینده دبیر کل سازمان ملل متحد، اکثریت قاطع مردم بحرین در خواست شناخت هویت آنان به عنوان یک دولت حاکم شدند که برای سرنوشت کشور خود آذانه و فارغ از اراده هر کشور دیگری، تصمیم گیری کنند. بنابراین، شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه ۲۷۸ در ۱۱ مه ۱۹۷۰، برابر با ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۹، رسماً استقلال بحرین را اعلام کرد و ایران نیز از حق حاکمیت خود بر آن جزیره چشم پوشی کرد. این واقعه از رویدادهای شوم تاریخ ایران در دوره پهلوی دوم و خیانت آشکار به ملت ایران است.

از آن تاریخ تا کنون هیچ رویداد دردناکی از این دست برای سرزمین ایران اتفاق نیافتاده است. اما اکنون نغمه‌های شومی از داخل و خارج از کشور به گوش می‌رسد.

گر و ههای پان ترکیست پیش از انقلاب اسلامی و هر از گاه در زمان کنونی سخن از استقلال آذربایجان می‌گویند در حالیکه آذربایجان چه شرقی، چه غربی به منزله سر ایران به شمار می‌آیند، و ایرانیان آذری از وطن پرست‌ترین مردم ایران به شمار می‌آیند. ایرانیان وطن پرست، جدایی یک وجب از خاک ایران را بر نمی‌تابند، و با تمام قوا باید در برابر این حرکات خصمانه ایستاد. کردان ایران نیز ایرانی اصیل و از وطن پرست‌ترین اقوام ایرانی بوده و هستند.

فراموش نمی‌شود که چندسال پیش نقشه‌ای در ایران انتشار یافته بود که وطن ما را به پنج جمهوری مستقل تقسیم و تجزیه کرده بود. جمهوری‌های آذربایجان، خوزستان، کردستان، بلوچستان و ترکمنستان. بقیه هم تحت عنوان ایرانستان باقی می‌مانند. این هولناک‌ترین خوابی است که قدرتهای استعماری نوین، و سرمایه داری و جنگ طلب برای کشور ما دیده‌اند.

طبق آنچه در رسانه‌ها منتشر شده، طراح این طرح شخصی است به نام ”برنارد لوئیس“. او نویسنده و مورخ آمریکایی- انگلیسی، و استاد ممتاز دانشگاه پرینستون آمریکاست و نویسنده کتابهای اسلام و غرب، اعراب در تاریخ، بحران اسلام و کتابهای دیگر است.

برنارد لوئیس نظریه پرداز ”برخورد تمدنهاست“ و بر این باور است که اسلام و غرب باهم برخورد خواهند کرد. به عقیده او مسیحیت و اسلام تنها ادیانی هستند که مدعی درک حقیقت جهانی هستند. و همین ادعا موجب برخورد آنها خواهد شد. مسیحیان و مسلمانان تنها مردمی هستند که ادعا می‌کنند که در یافت کننده سعادت‌مند آخرین پیام خداوند، به انسان هستند، و باید آترا به کل بشریت برسانند، و مانند یهودیان و هندوان و بوداییان نیستند که این پیام را فقط برای خود نگه دارند. بنابراین، دومذهب بزرگ مسیحیت و اسلام دارای یک بینش مشابه هستند با زمینه‌های اختلاف مبهم و غیر روشن که شانه به شانه هم می‌زیند. اینجاست که برخورد ایندو حتمی است.

این مورخ در مصاحبه‌ای می‌گوید:

”اسلام در چهارده قرن به زندگی میلیونها انسان فقر زده و تیره بخت، معنا و بزرگی بخشید. تمدن بزرگی برپا ساخت که به کشورهای متعددی رسوخ یافت. اکنون اما دچار بحران شده و راه دیگری می‌رود. اسلام می‌تواند به یک نظام استبدادی تبدیل شود که برای مسلمانان جهان فاجعه آفرین گردد، و یا می‌تواند در راه دموکراسی گام بردارد که اکنون علائمی از آن دیده می‌شود.

در هر صورت، جبهه ملی ایران، در این آشفته بازار سیاست و اقتصاد و قدرت، هر گونه اندیشه تجزیه طلبی را محکوم کرده و به ملت بزرگ ایران هشدار می‌دهد که سرمایه داری جدید و جنگ افروز جهانی هر روز برای کشورهای ثروتمند جهان خواب آشفته‌ای می‌بیند، تا به قول نیکسون در کتاب ”جنگ و صلح“ قدرتهای غربی بتوانند سطح زندگی اقتصادی، و برتری نظامی، و سیاسی خود را نسبت به سایر کشورها حفظ نمایند. مثله کردن ایران، شایسته ملتی نیست که با افتخار حدود سه هزار سال بر تارک فرهنگ بشریت درخشیده است. بدین اعتبار، این وظیفه فرد فردملت ایران و تابعان جامعه ایرانی است که از تمامیت ارضی ایران و یکپارچگی سیاسی و فرهنگی آن دفاع نموده و پاسدار این مرز و بوم کهن سال خود باشند. و این به عهده حاکمیت جمهوری اسلامی است که باید با رفع تبعیض‌ها و توجه به استان‌های محروم و ایجاد کار و بالا بردن سطح زندگی مردم ساکن در این استان‌ها، نغمه‌های شوم تجزیه طلبی را در کشور خاموش نماید.

فساد در قوه قضائیه

ایران در سال‌های اخیر کشوری شده است که از جهت رضایت مردم از قوه قضائیه به پایین‌ترین سطح تنزل کرده است. خیلی ساده، مردم به دادگستری هم بی‌اعتماد شده‌اند و این درد بزرگی است.

هر چه بگنند نمکش میزنند وای به روزی که بگنند نمک

انگلستان در جنگ جهانی دوم در زیر فشار حمله‌های آلمان هیتلری به مشکلات اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی و فساد اداری زیادی دچار شده بود. مردم و نمایندگان مجلس عوام به وینستون چرچیل نخست‌وزیر وقت حمله کردند که با مدیریت نادرست جامعه را رو به زوال میبرد و هیچ یک از نهادهای دولتی و بنگاه‌های عمومی مثل گذشته انجام وظیفه نمی‌کند. چرچیل در برابر این حملات به منتقدان خود گفت. ما در شرایط جنگ به سر می‌بریم و اشکالات زیادی داریم. اما من از شما می‌پرسم که آیا دادگاه‌های ما هم خلاف انصاف و عدالت کار می‌کنند؟ آیا قضاات ما هم فساد اخلاقی و مالی دارند؟ منتقدان صادقانه پاسخ دادند که قوه قضائیه همچنان مثل سابق بر اساس رویه قضایی قدیم رای می‌دهد و خلافی مرتکب نمی‌شود. چرچیل گفت من به شما اطمینان می‌دهم که وقتی دادگاه‌ها سالم باشند دیر یا زود جامعه اصلاح خواهد شد و متقلبان و خلافکاران گرفتار خواهند شد و در نهایت حق به حق دار خواهد رسید.

شوربختانه قوه قضائیه جمهوری اسلامی خودش از سلامت کافی برخوردار نیست تا بتوان برای اصلاح جامعه و احقاق حقوق شهروندان به آن امید بست. بسیاری از مردم عادی تجربیات شخصی تلخی از دادسراها و دادگاه‌ها دارند. اما پرونده‌های کلان رانت خواری و اختلاس یا زمین خواری و کوه خواری یا تخریب محیط زیست که اکثریت متخلفان آن‌ها وابسته به حاکمیت اند اصلاً هیچ پایندی به قانون و هیچ ترسی از دادگاه ندارند چون میدانند که به اصطلاح ژوری از خودشان است. آری عدم اعتماد مردم حتی به قضاات دادگستری در جمهوری اسلامی یک فاجعه است. وای به روزی که بگنند نمک.

اصول عقاید و هدف‌های جبهه ملی ایران

اصل اول - حفظ تمامیت ارضی، استقرار حاکمیت ملی و استقلال سیاسی برخاسته از اراده عمومی ملت ایران در نظام جمهوری مبتنی بر اصول دموکراسی، حقوق بشر و حاکمیت قانون.

اصل دوم - تاکید بر تامین و حفظ حقوق و آزادی‌های اساسی مردم ایران به ویژه آزادی احزاب، انتخابات و مطبوعات و تساوی حقوق زن و مرد و مبارزه با هرگونه تجاوز به حقوق بشر.

اصل سوم - جبهه ملی ایران برای حفظ احترام دین مبین اسلام و همچنین فراهم شدن امکان بهره‌گیری از تمامی توان ملی و مردمی جامعه ایران بر اصل جدایی دین از حکومت تاکید می‌کند.

اصل چهارم - استقرار عدالت اجتماعی و بالا بردن سطح رفاه عمومی بر اساس جهان بینی علمی، رشد تولید و افزایش اشتغال و توزیع عادلانه درآمد ملی.

اصل پنجم - احترام به حقوق شهروندی برابر و اعتقادات دینی و آداب و رسوم و زبانها و گویش‌های تمامی تیره‌ها و مردم سرزمین ایران.

اصل ششم - تقویت و پاسداری و گسترش زبان ملی و مشترک فارسی و فرهنگ و هنرهای ملی ایران.

اصل هفتم - اتخاذ سیاست خارجی مستقل ایرانی بر اساس حفظ مصالح و منافع ملی و حفظ تمامیت ارضی کشور و پشتیبانی از اصول و هدف‌های منشور ملل متحد و دوستی و احترام متقابل با همه ملت‌ها و کشورها به ویژه کشورهای منطقه و مبارزه با هرگونه تروریسم فردی و گروهی و دولتی.

دریغ از صلح

دریغ و درد که گیتی دچار خونجگری است چرا که صلح جهان پایکوب خیره‌سری است
دریغ و درد که اهریمن تباهی و جنگ نشان دهنده سیمای قهر و کینه وری است
ادیب برومند

مهندس عباس امیر انتظام به رحمت ایزدی پیوست

مهندس عباس امیر انتظام متولد ۲۷ مرداد ۱۳۱۱ خورشیدی در تهران، عضو هیات رهبری جبهه ملی ایران، مبارز دیرپای راه آزادی و راه مصدق بزرگ، سیاستمدار ایرانی، معاون نخست‌وزیر و نیز سخنگوی دولت مهدی بازرگان بود. امیر انتظام نخستین و قدیمی‌ترین زندانی سیاسی پس از انقلاب ایران به‌شمار می‌رفت که از تاریخ ۲۸ آذر ماه ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۵ خورشیدی در حبس به سر برد. امیر انتظام در سال ۱۳۲۷ ضمن تحصیل در دبیرستان دارالفنون جذب جنبش ملی ایران به رهبری دکتر مصدق شد. او پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به نهضت مقاومت ملی پیوست و علیه کودتا به مبارزه برخاست. او در دوران انقلاب در کنار مهندس بازرگان برای پیروزی انقلاب تلاش نمود. و بعد از انقلاب به‌عنوان سخنگوی دولت مهدی بازرگان و سپس سفیر ایران در سوئد و اسکاندیناوی به فعالیت پرداخت.

وی در تاریخ ۱۳۵۸/۹/۲۸ به اتهامات واهی و بی اساس ابتدا به اعدام و سپس به حبس ابد محکوم گردید. او در تمامی سال‌های محکومیتش خواستار برگزاری دادگاه تجدید نظر و اعاده حیثیت خویش گردید. امیر انتظام در سال ۱۳۷۵ برای درمان بیماری‌های متعددی که طی سالها زندانی بودنش، ایجاد شده بود با مرخصی استعلاجی از زندان بیرون آمد. عباس امیر انتظام طی دو دهه گذشته عضو شورای مرکزی و هیات رهبری جبهه ملی ایران بود.

روز پنج‌شنبه ۲۱ تیر ماه خیر درگذشت مهندس عباس امیر انتظام بر اثر ایست قلبی متشر گردید. روز جمعه ۲۲ تیرماه جمعیت انبوهی از فعالان سیاسی و دوست داران امیر انتظام در منزل او تجمع نمودند در این گردهمایی بزرگ، دکتر هرمیداس باوند، دکتر حسین موسویان، دکتر علی رشیدی، مهندس محمد توسلی و برخی از همفکران ایشان در سخنانی از این شخصیت ملی تجلیل کردند.

در مراسم تدفین عباس امیر انتظام، احمد منتظری، فرزندان آیت الله منتظری در بهشت زهرا بر پیکر او نماز خواندند. در این مراسم شرکت کنندگان با سر دادن شعارهایی چون: «عزا عزاست امروز امیر انتظام مظلوم پیش خداست امروز، مصدق قهرمان صاحب عزاست امروز.» و خواندن سرود ای ایران پیکر او را به قطعه هفت بهشت زهرا تشییع کردند.

الله امیر انتظام، همسر آقای امیر انتظام در جمع تشییع کنندگان گفت که آرزوی همسرش «ساختن دوباره ایران بزرگ» بوده و از همه خواست که «برای بزرگی و منزلت و آینده روشن ایران» بکوشند و اختلافات را کنار بگذارند.

همچنین مراسم بزرگداشت عباس امیر انتظام عصر جمعه ۲۹ تیر ماه در مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد برگزار شد. در مراسم بزرگداشت عباس امیر انتظام جمع بزرگی از فعالان سیاسی و مدنی حضور داشتند.

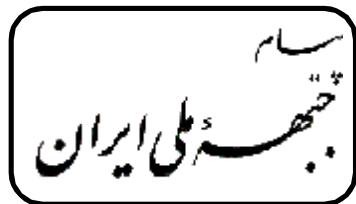
در این مراسم الهه میزانی همسر امیر انتظام با قرائت دلنوشته‌ای یاد و خاطره او را گرامی داشت. وی همچنین با بیان اینکه «امیر انتظام متعلق به ایران و همه اقوام و مذاهب بود»، خاطر نشان کرد: امیر انتظام در دورانی نه چندان دور متحمل بی‌مهری‌های بسیاری گردید، اما هیچگاه از کسی دلگیر نشد و می‌گفت «روزی من را خواهند شناخت، اگر چه که ممکن است آن روز من نباشم». خانم دکتر آذین موحد، آقای دکتر مازیار مصطفوی و خانم مصطفوی از دیگر سخنرانان این مراسم بودند.

تسلیت به خانواده‌های ارجمند بسته نگار و طالقانی

خانواده‌های ارجمند بسته نگار و طالقانی با دریغ و تاسف بسیار درگذشت آقای محمد بسته نگار مبارز خستگی ناپذیر راه مصدق بزرگ یعنی راه آزادی و استقلال ایران را به آن خانواده‌های گرانقدر تسلیت می‌گوییم.

محمد بسته نگار در تمام طول عمر پر افتخارش، چه قبل و چه بعد از انقلاب برای آزادی و استقلال و عدالت در این سرزمین تلاش نمود و با استبداد و دیکتاتوری در هر زمان و در هر لباس مبارزه کرد. یاد و نام او را گرامی می‌داریم.

۲۵ تیر ماه ۱۳۹۷ تهران هیئت اجراییه جبهه ملی ایران



نشریه داخلی پیام جبهه ملی ایران

با یاد

دکتر مهدی آذر و اصغر پارسا

<http://jebhemeliiran.org>

E-mail:info@jebhemeliiran.org